

معماری بومی و تأثیرش بر هویت شهری (مطالعه موردی: خیابان سبزه میدان قزوین) حسن ساجدی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۲/۲۵

چکیده

معماری بومی به منزله بازتابی روشن از تاریخ، فرهنگ و محیط طبیعی هر جامعه، نقش بنیادینی در شکل‌گیری هویت شهرها ایفا می‌کند. معماری بومی در واقع زبان غیرکلامی یک ملت است که از خلال آن می‌توان ارزش‌ها، باورها و شیوه‌ی زیست مردمان را شناخت. با این حال، گسترش الگوهای معماری مدرن و گرایش به سبک‌های جهانی، موجب شده است بسیاری از شهرهای امروز از اصالت‌های بومی فاصله بگیرند و دچار نوعی همسانی و بی‌هویت‌ی شوند. برج‌ها و سازه‌های مشابه که در اغلب شهرهای جهان ساخته می‌شوند، گرچه از نظر کارکردی به‌روز هستند، اما در بیشتر موارد نمی‌توانند ریشه‌های فرهنگی و تاریخی جامعه را بازتاب دهند. درک هویت شهری و مؤلفه‌های اثرگذار بر آن، گامی بنیادین در مسیر شناخت برای مدیران، برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان شهری است. تنها با چنین شناختی می‌توان شهری را پدید آورد که نه تنها بازتاب‌دهنده‌ی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی باشد، بلکه واجد صفاتی هویتی، پایدار و پاسخگو به نیازهای ساکنان خود نیز گردد. در این میان، توجه مدیران و معماران به اصول بومی اهمیت زیادی دارد، زیرا می‌تواند از نادیده گرفتن هویت شهر در جریان توسعه شهری جلوگیری کند.

روش تحقیق این پژوهش، کیفی با رویکرد تفسیری و شیوه گردآوری مطالب، اسنادی است. در این نوشتار ابتدا ویژگی‌ها و مؤلفه‌های شاخص معماری بومی همچون هماهنگی با اقلیم، بهره‌گیری از مصالح بومی و توجه به فرهنگ اجتماعی، و سپس پیامدهای حضور یا فقدان آن بر ساختار هویت شهری بررسی می‌گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بازخوانی و به‌کارگیری اصول معماری بومی نه تنها می‌تواند عاملی برای تقویت هویت فرهنگی و ارتقای حس تعلق شهروندان باشد، بلکه زمینه‌ای برای خلق فضاهای شهری پایدار و متمایز فراهم می‌سازد. علاوه بر این، تلفیق خردمندانه‌ی معماری بومی با فناوری‌های نوین، امکان دستیابی به طرح‌هایی را فراهم می‌آورد که هم از نظر زیبایی‌شناسی و هم از نظر کارکردی پاسخگوی نیازهای امروز باشند. در نهایت، می‌توان گفت توجه به معماری بومی به‌مثابه سرمایه‌ای فرهنگی، ضرورتی است که غفلت از آن به معنای تضعیف هویت شهری و کاهش کیفیت زندگی در شهرها خواهد بود.

کلمات کلیدی: معماری بومی، هویت شهری، توسعه شهری پایدار، حس تعلق شهری

۱. کارشناس معماری معاونت شهرداری ناحیه یک قزوین، hsajedi۳۵@gmail.com

شهر نه فقط بستری برای زیست روزمره، بلکه عرصه‌ای برای بازتاب تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی یک جامعه است. در این میان، معماری به‌عنوان برجسته‌ترین نمود کالبدی شهر، نقشی کلیدی در بازشناسی و تداوم هویت ایفا می‌کند. معماری بومی، که حاصل تعامل مستمر انسان با اقلیم، مصالح محلی و سنت‌های فرهنگی است، طی قرن‌ها توانسته است میان کارکرد، زیبایی‌شناسی و هویت فرهنگی توازن برقرار سازد. معماری بومی یا بدیهه ساز، در هماهنگی با طبیعت و از طریق به کار بستن شیوه‌های ترکیب و روش‌های ساختمانی و فونونی که بیشتر محلی‌اند، نه فراگیر و جهانی، به کار رفع نیازهای کالبدی-مکانی روزمره می‌آید و در جز و کل، پیش از ساخته شدن و پس از آن، از طرف صاحبان سازنده‌اش «زندگی می‌شود» این معماری، نطفه‌ای است که از عالم تصور به عالم تصویر می‌آید. هویت یکی از مفاهیم کلیدی در علوم انسانی و اجتماعی است که درک فرد یا گروه از خود و جایگاهشان در جوامع مختلف را بیان می‌کند. هویت همچنین، به شیوه‌ای اشاره دارد که فرد خود را در مقایسه با دیگران تعریف می‌کند، از جمله ویژگی‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی که او را تمایز می‌دهد. در این زمینه، هویت فردی به مجموعه‌ای از ویژگی‌های فردی اشاره دارد که هر فرد را از دیگران متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها می‌توانند شامل شخصیت، باورها، اهداف و تجربیات فردی باشند. از سوی دیگر، هویت اجتماعی به نحوه‌ای که فرد خود را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی تعریف می‌کند، اشاره دارد و شامل نقشه‌ها، وضعیت‌ها و تعاملات اجتماعی است که فرد در جامعه دارد. هویت فرهنگی نیز، به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و باورهایی اشاره دارد که یک گروه فرهنگی را از دیگران متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها شامل زبان، دین، عادات و رسوم، هنر و ادبیات و سایر جنبه‌های فرهنگی که توسط اعضای گروه پذیرفته و حفظ می‌شوند. بنابراین، هویت به عنوان یک مفهوم چندبعدی و پیچیده، با توجه به شخصیت، محیط اجتماعی و فرهنگی فرد در طول زمان شکل می‌گیرد و نقش بسیار مهمی در شناخت و تعاملات افراد در جوامع دارد (Smith, 2020). معماری بومی می‌تواند به ارتقای حس تعلق و هویت محلی کمک کند و در عین حال به عنوان یک راهکار پایدار در برابر چالش‌های زیست محیطی عمل کند. استفاده از تکنیک‌های ساخت و ساز بومی و بهره‌گیری از دانش سنتی می‌تواند به ایجاد ساختمان‌های مقاوم و پایدار کمک کند که با شرایط اقلیمی و محیطی منطقه هماهنگ هستند (Mukherjee, 2022). در دهه‌های اخیر معماری بومی به عنوان موجودیتی مطرح شده است که می‌تواند الگو و مدل را برای معماری معاصر داشته باشد (اکرمی و دامیار، ۱۳۹۶). با ورود جریان‌های معماری مدرن و گسترش الگوهای جهانی، بسیاری از شهرهای ایران با خطر از دست دادن عناصر بومی و تضعیف پیوندهای هویتی مواجه شده‌اند. پیامد این وضعیت، ظهور فضاهایی است که از نظر کالبدی کارآمد، اما از حیث معنا و هویت تهی هستند. در چنین شرایطی، توجه دوباره به ظرفیت‌های معماری بومی و بازاندیشی در جایگاه آن، ضرورتی راهبردی برای برنامه‌ریزان و طراحان شهری به شمار می‌رود. این مقاله با تمرکز بر بررسی رابطه میان معماری بومی و هویت شهری، در پی آن است که راهکارهایی برای بهره‌گیری از اصول بومی در شکل‌دهی به شهرهای معاصر ارائه دهد.

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

رشد شتابان شهرنشینی و گسترش الگوهای رایج معماری جهانی طی دهه‌های اخیر، سیمای بسیاری از شهرهای ایران را به‌طور جدی دگرگون کرده است. اگرچه این دگرگونی‌ها در برخی جنبه‌ها مانند بهبود زیرساخت‌ها و تأمین نیازهای جمعیتی مفید بوده‌اند، اما در بُعد هویتی و فرهنگی، به تضعیف ارتباط میان شهروندان و محیط شهری منجر شده‌اند. این وضعیت در ادبیات نظری با مفاهیمی چون «بحران هویت شهری» و «تضعیف حس تعلق به مکان» مورد توجه قرار گرفته است (حبیبی، ۱۳۸۶). یکی از دلایل اصلی بروز این بحران، غلبه الگوهای تقلیدی و غیرمتناسب با بستر فرهنگی و اقلیمی شهرهاست؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از فضاها و بناهای جدید، فاقد نشانه‌های فرهنگی و تاریخی بوده و به یکسان‌سازی کالبدی و بی‌هویتی منجر شده‌اند (بحرینی، ۱۳۹۰). به اعتقاد پژوهشگران حوزه شهرسازی، آنچه موجب باز تولید هویت شهری می‌شود، نه صرفاً عملکرد کالبدی فضاها، بلکه بازنمایی ارزش‌های فرهنگی و تاریخی در ساختار معماری و سیمای شهر است (پاکزاد، ۱۳۹۲).

از این رو، ضرورت پژوهش حاضر در آن است که با بررسی پیوند میان معماری بومی و هویت شهری، چارچوبی تحلیلی و کاربردی ارائه دهد. چنین چارچوبی می‌تواند برای معماران، طراحان شهری و مدیران محلی راهنمایی باشد تا در فرآیند طراحی و بازآفرینی فضاهای شهری، از ظرفیت‌های معماری بومی به‌عنوان ابزاری برای تقویت هویت فرهنگی و دستیابی به توسعه پایدار بهره‌گیرند.

۳. مروری بر ادبیات و پیشینه پژوهش

مطالعه پیشینه پژوهش‌ها در حوزه معماری بومی و هویت شهری، به منزله بخشی اساسی از فرایند تحقیق است؛ زیرا علاوه بر تبیین مبانی نظری، مسیر پژوهش حاضر را در مقایسه با مطالعات پیشین روشن می‌سازد. مرور آثار موجود نشان می‌دهد که پژوهشگران بارها بر اهمیت پیوند میان معماری و فرهنگ محلی، نقش عناصر سنتی در کیفیت بخشی به فضاهای شهری، پیامدهای نادیده گرفتن معماری بومی در طراحی‌های معاصر تأکید کرده‌اند. بنابراین، بازبینی و تحلیل این پیشینه می‌تواند هم به شناسایی خلأهای پژوهشی کمک کند و هم جایگاه تحقیق حاضر را در ادامه این جریان علمی روشن‌تر نماید. در ادامه، نمونه‌هایی از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه را ذکر می‌کنیم:

اکرمی و دامیار (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «رویکردی نو به معماری بومی در رابطه ساختاری آن با معماری پایدار» رویکردهای معماری بومی را شامل رویکرد مبتنی بر مشارکت، ساخت گرایی طبیعی، الگوگرایی طبیعی، مطلق گرایی طبیعی و کل نگری می‌داند. پیرزاد و ریاحی مقدم (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی رابطه بوم‌گرایی در معماری روستایی با اقتصاد روستایی در نواحی مرکزی مازندران و نواحی مرکزی یزد» مطرح می‌کند هرگاه معماری روستایی در انطباق با طبیعت و از امکانات موجود بهره‌برداری کند، پایداری آن به‌طور نسبی، در همه عرصه‌ها افزایش می‌یابد.

رازیان و محمدزاده (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «معماری بومی و هویت شهری پایدار» مطرح می‌کند با توجه به اینکه معماری بومی نشأت گرفته از فرهنگ و ارزشهای فرهنگی و هویتی است و با توجه به اینکه شهر و معماری در ارتباطی جدانشدنی با یکدیگر قرار دارند، لذا بکارگیری معماری بومی که برگرفته از ارزشها و ویژگی‌های هویتی جامعه باشد، سبب دستیابی به پایداری در هویت شهری خواهد شد.

حاجیلو (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش اصول معماری بومی در تحقق معماری پایدار» مطرح می‌کند معماری پایدار یک معماری پویا است که باید با ویژگی‌های اقلیمی و فرهنگی و طبیعت هر منطقه هماهنگ و سازگار باشد همچنین معماری بومی در ایران نه تنها پاسخگوی نیازهای انسان بود بلکه فراتر از آن در جهت رشد و تعالی آن نیز عمل کرده است.

داویس (۲۰۲۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «طراحی متناسب با محیط زیست و دانش بومی» به این نتیجه می‌رسد که استفاده مجدد از بناهای قدیمی و احیای ساختارهای سنتی به منظور حفظ میراث فرهنگی و تطبیق آنها با نیازهای معاصر کمک می‌کند.

۴. بررسی و مطالعات (مبانی نظری)

۴-۱. معماری بومی

اولین نامی که بر این پدیده معماری، نهاده شد «معماری خود جوش» و به ابداع «پاگونه» بود، در اینجا منظور از خودجوش، معنای تصادفی بودن آن نیست، بلکه طبیعی بودن آن است (آلپاگونوولو، ۱۳۸۴). همچنین بنا بر تعریفی که پاول الیور از معماری بومی دارد، معماری بومی، آن گونه از معماری است که از درون جوامع رشد می‌کند و طی زمان خود را با شرایط اجتماعی، اقلیمی و فناوری سازگار می‌سازد و تکامل می‌یابد و با ارزش‌ها، اقتصاد و شیوه‌های زندگی فرهنگ‌هایی که مولد آنها هستند سازگار می‌باشند و یا به طور خلاصه معماری بومی، معماری مردم و معماری توسط مردم و نه برای مردم است (نورمحمدی، ۱۳۸۸). این معماری به طور سنتی به فرم‌هایی اطلاق می‌شود که بر اساس نیازهای ساکنان یک منطقه و محدودیت‌های محل و اقلیم، شکل گرفته باشد (اوکتاری، ۱۳۸۶). به این ترتیب «معماری بومی از یک فرهنگ مشخص محلی سخن می‌گوید. فرهنگی که به دست مردم همان محل شکل می‌گیرد، رشد می‌کند و در رویدادهای سخت نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اما به وسیله‌ی همان مردم با فرهنگ بومی سازگاری می‌یابد» (معماریان، ۱۳۸۶). معماری بومی به عنوان یک نوع معماری که با شرایط محلی، اقلیمی، و فرهنگی هر منطقه هماهنگ است، دارای تاریخچه‌ای طولانی و پیچیده است. این نوع معماری از دوران باستان تا به امروز به شیوه‌های مختلفی توسعه یافته و به عنوان یک نمودار واضح از تکامل فرهنگی و تکنولوژیکی جوامع انسانی عمل کرده است. در دوران باستان، معماری بومی به دلیل نیازهای اساسی بشر برای سرپناه، حفاظت و سکونت، به صورت ابتدایی شکل گرفت. در این دوره، انسان‌ها از مواد موجود در محیط خود مانند گل، چوب، سنگ، و نی برای ساخت مسکن استفاده می‌کردند. برای مثال، در مناطق کویری ایران، خانه‌ها از خشت و گل ساخته می‌شدند که به دلیل خواص عایق حرارتی مناسب، شرایط زندگی را در این مناطق بهبود می‌بخشیدند (Rapoport, ۱۹۶۹). بدین ترتیب معماری بومی، معماری اقلیمی است که علاوه بر هماهنگی با طبیعت، ویژگی‌های محیطی، فرهنگ و هویت منطقه، به عنوان عاملی برای شناخت مناطق مختلف و آگاهی از نحوه زندگی آنها به کار گرفته می‌شود (گودرزی، ۱۳۸۲). ویژگی‌های معماری بومی نمایانگر

آداب و رسوم، روحیه‌ها، احساسات، اندیشه و عقیده، ذوق، سلیقه و هنر است که به دور از تخصص‌ها تحقق می‌یابد. همچنین، این نوع از معماری جوابگویی به نیازهای یک جامعه را درباره عوامل طبیعی و خواسته‌های معنوی انسان عهده‌دار است. در این معماری از تکنولوژی و سنت‌های محلی استفاده می‌شود. همچنین، این نوع از معماری کاربردی و انعطاف‌پذیر و در خصوصیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانی، همیشه پویاست که این خود منجر به بروز کارکردهای معین می‌شود (رضایی و وثیق، ۱۳۹۳). امروزه معماری بومی به عنوان ظرفی و میراثی از گذشتگان تلقی می‌شود. میراث مردمانی که آموزش معماری ندیده بودند و به آفرینش معماری می‌پرداختند (از راه بکاربردن عناصر معماری) ساختمان خاص برخی از شیوه‌های زندگی مردم را به عنوان برخی اندیشه‌های رایج در فضای زندگی جمعی در آثار خود متظاهر می‌کردند که آنان را به مکان یا به زیستگاه‌شان تعلق می‌بخشید و به تولید یگانگی میان خود آنان یا به زیست‌گاهشان می‌انجامید (فلامکی، ۱۳۸۴). از نگاهی دیگر، معماری بومی روش طراحی عمومیت یافته‌ای است که از معماری مردمی زاینده شده است و می‌توان آن را شکل پیشرفته‌ی معماری طبیعی یک خطه‌ی معین به حساب آورد که در ارتباط با آب و هوا، فرهنگ و مصالح ساختمانی بیان می‌گردد. اما معماری بومی در ذات خود محدود به خصوصیات می‌شود که همان اصطلاح «بومی» بیانگر شایسته آن است. «مقیاس» در این معماری عامل تعیین کننده است. معماری بومی با مردم هم‌زاد و با محیط هم‌ساز است (آلسوپ، ۱۳۷۱). معماری بومی ممکن است برآیند تمامی عوامل مؤلف معماری و به عبارتی یک کل برآمده از تمامیت زندگی طبیعی-اجتماعی انسان در حالت فطری و درون‌زای خود دانسته شود. فلامکی، با اشاره به مردم‌وار بودن معماری بومی می‌داند، پیوند با دوگونه محیط را از مشخصه‌های اصلی معماری بومی می‌داند. پیوند با محیط فرهنگی یا با سلسله ارزش‌های فرهنگی، با سلسله رفتارهای فرهنگی و با سلسله قوانین ضمنی‌ای که در آن جاریند از یکسو و از سوی دیگر پیوند با محیط طبیعی یا با مجموعه داده‌هایی که سرزمین بنا به انسان عرضه می‌دارد. داده‌هایی که هم ابزار فکری‌اند و هم ابزار کاربردی؛ هم رنگ و اندازه و تناسب‌اند و هم مصالح و اجزاء و عناصر ساختمان (فلامکی، ۱۳۸۸).

۴-۲. هویت شهری

یکی از نیازهای اجتماع انسانی احساس امنیت و حس تعلق است. در این راستا هویت و عناصر هویتی در زندگی انسان موجب آرامش و ایجاد اعتماد به نفس و میل به داشتن تلاشی مستمر همراه با احساس امنیت می‌شود (موتقی ایرملو، ۱۳۸۵). هویت برگرفته از صفات و مشخصات جوهری هر شیء یا شخص یا شهر است که به واسطه‌ی وجوهی همچون تمایز و تشابه، تداوم و تحول، وحدت در کثرت، شخصیت پیدا می‌کند (شماعی و پوراحمد، ۱۳۹۲). کریستوفر الکساندر، هویت را تجسم کالبدی کیفیت‌های بی‌نام می‌داند؛ کیفیت‌هایی که بنای اصلی حیات و روح انسان، بنا و یا طبیعت فکر هستند؛ اما نمی‌توان نامی بر آن‌ها گذاشت (الکساندر، ۱۳۸۱). هویت هر فضا از نظر الکساندر، حاصل رویدادهایی است که در آن اتفاق می‌افتد. همین طور که کل شکل می‌گیرد، هویتی جاودانه به خود می‌گیرد که آن را شایسته نام هویت جاودانه می‌کند. این هویت، هویتی ویژه و کالبدی دقیق و ظریف است که هرگاه بنا یا شهری زنده می‌شود باید بوجود آید. این هویت تجسم کالبدی کیفیت بی‌نام در بناهاست (الکساندر، ۱۳۸۶). ویژگی‌های نشأت گرفته از ساخت کالبدی که در هویت بخشی شهرها نقش آفرینی می‌کنند و شامل حدود شهر، بافت شهر، مورفولوژی شهر، هم‌جواری فعالیت‌ها، نحوه استقرار بناها، نوع فعالیت‌ها، تمرکز جمعیت، سازگاری فعالیت‌ها، حریم فعالیت‌ها، خوانایی، جهت‌یابی، حس مکان، عناصر شناخت تصویر ذهنی شهر (نشانه، لبه، محله، گره، راه) و عوامل طراحی شهری (تنوع، تضاد، تقارن، وحدت، هماهنگی، نظم، پیچیدگی و حس حرکت) است که هر یک از این ویژگی‌ها اثرات متفاوت در ایجاد تجربه‌ی ای از عناصر و پدیده‌های طبیعی در محیط شهری دارد. ابعاد هویتی شهر در سه سطح کلان، میانی و خرد قابل بررسی است که با دو دسته ابعاد هویتی انسان (نیازهای مادی و غیرمادی) قابل ترکیب بوده و از برخورد هر کدام با همدیگر ویژگی‌های هویت بخشی به شهر حاصل می‌گردد (رحیم‌یون، ۱۳۹۰). ساخته‌های بشری و عناصر کالبدی مصنوع، با تمام ویژگی‌های حاکم بر آن همچون فرم، ابعاد، اندازه و تناسبات به عنوان تبلور کالبدی ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی، محیطی که تحت عناوین هویت انسانی و هویت طبیعی از آن یاد شد، یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری هویت شهری مطرح می‌باشند. هویت مصنوع، ابعاد مختلف ساخت و استخوان‌بندی اصلی شهر مشتمل بر مشخصات کالبدی، مشخصات عملکردی، مشخصات فضایی و بصری را در بر می‌گیرد (طاهری ۱۳۸۱، بهزادفر ۱۳۸۶). هویت مربوط به شخصیت‌های مکانی که به افراد چیزی درباره محیط کالبدی و اجتماعی می‌گویند، می‌باشد. آن چیزی است که یک مکان دارا می‌باشد، زمانی که تا حدی به موقعیتش تعلق دارد و نه جای دیگری. هویت توسط محیط طبیعی و واکنش‌های افراد در مکان‌هایی که آن‌ها ساکن هستند، شکل گرفته است و تغییرات آن‌ها را به هم وابسته می‌کند (Dougherty, ۲۰۰۶). همچنین هویت شهری محصول پیوند عمیق میان فرد

و محیط شهری است که تأثیری مثبت بر توانایی و اعتماد به نفس شهروندان دارد و شهروندان هر شهر را از غیر شهروندان آن متمایز می‌کند؛ و بخشی از زیرساخت هویت انسان و حاصل شناخت‌های عمومی او درباره‌ی جهان فیزیکی است که انسان در آن زندگی می‌کند (بهزادفر، ۱۳۸۶). می‌توان چنین گفت که هویت شهر نشأت گرفته از ابعاد هویتی انسان مادی و غیرمادی است که در چهار حوزه اصلی قابل شناسایی است:

- ویژگی‌های حسی انسان که توسط حواس پنج گانه انسان از محیط طبیعی پذیر است.
- ویژگی‌های نشأت گرفته از ساخت دینی که در هویت بخشی شهرها نقش آفرینی می‌کنند

- ویژگی‌های نشأت گرفته از ساخت فرهنگی و ایرانی و اسلامی.

- ویژگی‌های نشأت گرفته از ساخت کالبدی که در هویت بخشی شهرها نقش آفرینی می‌کنند (رحیمپور، ۱۳۹۰).

هویت مفهومی پویاست که در گذر زمان دارای تغییراتی مستمر و به هم پیوسته می‌شود که مانند یک زنجیر حلقه‌های به هم پیوسته‌ای را شکل می‌دهد تا گذشتگان یک سرزمین به واسطه مولفه‌های فرهنگی، آداب و رسوم، عادات و هنر یک قوم در مکان جغرافیایی خاصی شکل گیرد. در این رابطه باید گفت هنر و معماری یک سرزمین، جزئی از فرهنگ است که شاکل‌های از هویت‌سازی آن ملت هم به شمار می‌رود (حبیب، ۱۳۸۷). هویت به این معناست که انسان بواسطه‌ی محیط ساخته شده می‌خواهد که خود را بشناسد و خودش را پیدا کند در این نوع مفهوم محیط ساخته شده یا به عبارتی معماری نقش یک آینه را برای انسان بازی می‌کند که انسان، بودن خود را در آن معنا می‌کند، این نگاه در پدیدارشناسی دنبال شده است (دامیار، ۱۳۹۱).

۳-۴. بحران هویت شهرها

مقایسه شهرهای گذشته با امروز نشان می‌دهد که شهرهای گذشته دارای ساختاری بسامان بوده و هویت محله‌ای را تقویت می‌کرده است، اما شهرهای جدید ابتدا ساختار شهر را با شهرک‌های مسکونی، برج‌ها و آپارتمان‌ها که جمعیت را از اقصی نقاط ایران در آن ساکن کرده است، تعریف می‌کند. همین موضوع باعث از بین رفتن محلاتی که شهروندان در سایه آن احساس امنیت و آرامش می‌کردند، شده است (Olson, ۱۹۶۳). شهر با الگوی هویت‌گرا نمی‌تواند در هر جایی از زمین پیاده شود، چرا که هویت شهر متمرکز است و هویت هر شهر که منظر آن را شکل می‌دهد با شهر دیگر متفاوت است، بدین دلیل است که فضاهای شهری می‌توانند برای مردم، تداعی کننده جنبه‌های نمادین، فرهنگی و تاریخی باشند (نصر، ۱۳۹۵). معماری ایران در سده اخیر تحت تأثیر جریان‌های فکری غرب دستخوش تحولات و دگرگونی‌های فراوانی بوده است. اما ذکر این نکته ضروری است که مهم‌ترین عامل رشد و تکامل معماری و هویت آن، بازگشت به پیشینه و فرهنگ ایرانی و اسلامی است و قدم اول در این راه شناخت کامل این فرهنگ می‌باشد (Hanachi, ۲۰۰۹). شناخت هویت و مؤلفه‌های تأثیرگذار آن در شکل شهر، مقدمه‌ای است برای شناخت مدیران، برنامه‌ریزان شهری، تصمیم‌گیران و هر آن کس که در ساخت شهر نقش دارد تا شهری ساخته شود که صفات هویتی آن مطلوب و پاسخگو باشد (نصر، ۱۳۹۳).

۴-۴. رابطه معماری بومی و هویت شهری

مفهوم هویت در تداوم تاریخی و پیوستگی آن نهفته و وابسته به زمان است، لذا وجود ویژگی‌های مشترک در طول زمان و استمرار آن به گونه‌ای که سبب شکل‌گیری تجربه‌های مشترک انسانی شود، مفهوم هویت را تداعی میکند. معماری بومی با توجه به اینکه محصول تداوم ارتباط انسان با محیط و جامعه با تاریخ است، روح اجتماعی در آن دمیده می‌شود و لذا انعکاس دهنده شرایط جامعه، فرهنگ و نحوه زندگی است که به هویت معنی می‌شود (پرهیزگاری، ۱۳۹۲). در جوامع سنتی، فرهنگ «بومی» به خوبی از عهده‌ی انجام کار ویژه‌ی هویت‌سازی برمی‌آید، چرا که توانایی و قابلیت تفاوت آفرینی و معنابخشی بسیار بالایی داشت (بهزادفر، ۱۳۹۰). معماری بومی یعنی مجموعه واحدهای معماری- شهری که در سرزمین گردهم آمده و با هماهنگی‌هایی که در زمینه شکل، کاربری، رنگ‌آمیزی و آهنگ سطوح پر و خالی و همچنین در زمینه مصالح و نظام‌های ساختمانی در بناها موجود می‌باشد، به پایداری می‌رسد و هویت شهر را به پایداری میرساند چراکه این هماهنگی مبتنی بر ضابطه‌ها و رسوم و سلیقه‌های زاده از فرهنگ و رفتار محیطی است (penny, ۲۰۰۱).

معماری بومی در هر منطقه به عنوان شاخصه همان منطقه شناخته می‌شود و لذا به عنوان میراثی از گذشته یک منطقه است که به بیان نو زندگی و ارتباط یک جامعه با طبیعت می‌پردازد. لذا معماری بومی در هر زبان و هر فرهنگی به بیان هویت و ریشه معماری آن سرزمین می‌پردازد که ویژگی‌های گذشته و حال فرهنگ و هویت هر منطقه را بیان می‌نماید. بنابراین با شناخت معماری بومی می‌توان

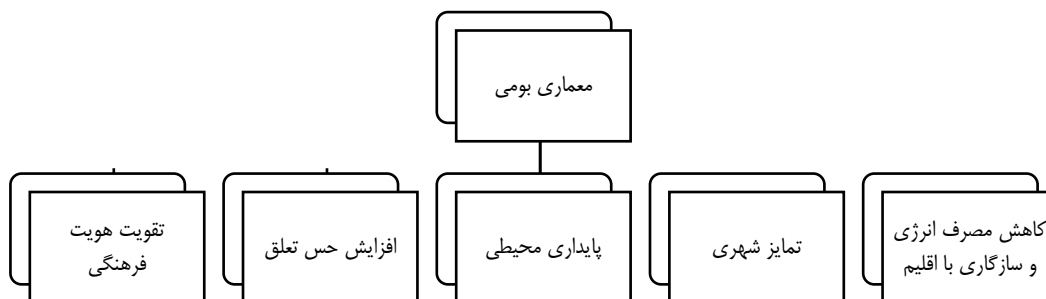
نسبت به مواردی از جمله نو فرهنگ منطقه، استفاده از پتانسیل‌های محیطی، میزان احترام و نو رابطه با طبیعت شناخت پیدا کرد (سعدونی، ۱۳۸۸).

<ul style="list-style-type: none"> • معماری بومی ریشه در فرهنگ، باورها و سنت‌های هر منطقه دارد. • وقتی فضاهای شهری با زبان معماری بومی ساخته بشن، شهروندها خودشون رو توی اون فضا پیدا می‌کنن و حس تعلق بیشتری دارن. • مثلاً وجود بازارهای سنتی یا محله‌های قدیمی، مردم رو به تاریخ و فرهنگشون وصل می‌کنه. 	بعد فرهنگی-اجتماعی
<ul style="list-style-type: none"> • فرم‌ها، رنگ‌ها و مصالح بومی باعث میشن چهره شهر خاص و متمایز باشه. • این تمایز، شهر رو از «بی‌هویت شدن» و شبیه شدن به همه شهرهای مدرن جهان نجات می‌ده. • معماری بومی هویت بصری شهر رو شکل می‌ده و نوعی "امضای معماری" برای اون شهر می‌سازه. 	بعد زیبایی‌شناسی و هویت بصری
<ul style="list-style-type: none"> • معماری بومی با اقلیم و شرایط محیطی سازگار (بادگیر، سایه، مصالح محلی). • این سازگاری نه تنها به کاهش مصرف انرژی کمک می‌کنه، بلکه شهر رو پایدارتر می‌کنه و این خودش بخشی از هویت معاصر شهر محسوب میشه. 	بعد زیست محیطی و پایداری
<ul style="list-style-type: none"> • وقتی مردم در فضاهایی زندگی می‌کنن که با فرهنگ و خاطرات جمعی‌شون هماهنگه، احساس امنیت، آرامش و افتخار بیشتری دارن. • این باعث میشه حس «ما بودن» و یکپارچگی اجتماعی تقویت بشه. 	بعد روانشناختی و اجتماعی

نمودار ۱. تأثیرات معماری بومی بر هویت شهری (منبع: نویسنده)

۴-۵. ضرورت توجه دوباره به معماری بومی در توسعه معاصر

بیشترین مباحث معماری پایدار، موضوعات ساختی است که به دوره فعالیت مفید ساختمان مرتبط است. مانند کاهش مصرف انرژی، کاهش گازهای آلاینده، کاهش فاضلاب، بازیافت آب سطحی و غیره. استدمن، این نکته را مطرح می‌کند که حتی در دنیای کنونی، در بدترین شرایط اقلیمی، معماری بومی است که پاسخگوی نیازهای انسان است. حال آنکه معماری مدرن شده حتی در نواحی معتدل آب و هوایی برای تنظیم شرایط محیطی از خود ناکارآمدی نشان می‌دهد (ناری قمی و دامیار، ۱۳۹۱). همچنین خطر کاهش انرژی‌های فسیلی و محدودیت عرضه آن در اواسط سده بیستم موجب گرایش کشورهای صنعتی به طبیعت و بهره‌گیری از نیروهای آن به منظور بهبود شرایط زندگی شده که از میان توجه این کشورها به جنبه‌های مصرف انرژی در ساختمان موجب ابداع انواع تکنیک‌های طراحی اقلیمی شده است. البته این امر بدون توجه به معماری بومی و بهره‌گیری از الگوهای آن امکان‌پذیر نبود (رازجویان، ۱۳۷۵). کوشش در جهت حرکت به سوی معماری و شهرسازی با هویت پاسخی به نیازهای معنوی انسان‌ها در کنار نیازهای مادی ایشان است. ضرورت حرکت به سوی این مفهوم در برنامه‌های اول و دوم توسعه کشور به صورت کلی و در برنامه‌های سوم و چهارم توسعه به تفصیل مورد توجه قرار گرفته است (مهدوی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹).



نمودار ۲. نمودار پیوند معماری بومی با مؤلفه‌های هویت شهر (منبع: نویسنده)

۵. معرفی و بررسی نمونه موردی

میدان آزادی، مشهور به سبزه میدان، بخشی ارزشمند از بافت تاریخی قزوین و نمونه‌ای شاخص برای سنجش تقویت هویت شهری در بستر معماری بومی به شمار می‌رود. این میدان که در بخش جنوبی و منطقه یک شهر قزوین واقع شده است، یکی از عرصه‌های اصلی و فعال شهری محسوب می‌شود. تداوم حیات اجتماعی، حضور بنای تاریخی چهلستون به‌عنوان مقر پادشاهان صفوی، قرارگیری در مجاورت بقعه چهار انبیاء، همجواری با بازار و فضاهای جمعی، و نیز وجود خانه‌ها و گذرهای سنتی، این محدوده را به بستری زنده برای مطالعه نسبت میان کالبد بومی و تجربه شهروندان تبدیل کرده است. در این پژوهش، تقویت هویت شهردر سه بُعد اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

هویت فرهنگی: شامل نشانه‌ها و روایت‌های بومی، آیین‌ها و نام‌گذاری‌ها، و تداوم کاربری‌های سنتی.
 حس تعلق شهروندان: شامل میزان حضور و توقف، تعاملات اجتماعی، خاطره‌مندی و وابستگی مکانی.

هویت بصری-کالبدی: شامل خوانایی و مقیاس انسانی گذرها، مصالح و الگوهای بومی مانند حیاط مرکزی، ایوان و آجرکاری، و نیز پیوستگی نماها و سیمای شهری. همچنین پایداری محیطی و تمایز شهری در این پژوهش به‌عنوان پیامدهای پشتیبان در نظر گرفته شده‌اند؛ بدین معنا که در هر نقطه‌ای که اصول معماری بومی به کار گرفته شده باشد، انتظار می‌رود مصرف انرژی کاهش یافته و سیمای شهری از تمایز و غنای بیشتری برخوردار شود. به‌منظور شفاف‌تر شدن ابعاد پژوهش، داده‌های گردآوری شده از نمونه موردی شامل مشاهده میدانی، ثبت تصویری و مرور اسناد در فرایند کدگذاری کیفی سازمان‌دهی و آماده تحلیل گردید.

۶. یافته‌ها

جدول پیش‌رو نشان می‌دهد چگونه شواهد سبزه میدان در هر بُعد، به مفاهیم میانی و در نهایت به مقوله گزینشی تقویت هویت شهری منتهی شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مفاهیم اولیه در مرحله کدگذاری باز استخراج گردیده و سپس در مرحله محوری بر اساس پیوندها و همپوشانی‌های مفهومی دسته‌بندی شده‌اند. در نهایت، این مقوله‌ها در مرحله گزینشی به محورهای کلان و نهایی پژوهش تبدیل شده‌اند. جدول زیر، روند این تحلیل و چگونگی دستیابی از داده‌های خام به مفاهیم اصلی پژوهش را به صورت خلاصه ارائه می‌دهد.

جدول ۱. دسته‌بندی یافته‌ها در سه محور اصلی (منبع: نویسنده)

کدهای نهایی	کدگذاری گزینشی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز (اولیه)
معماری پایدار	پایداری محیطی	پیوند با اقلیم و محیط	استفاده از مصالح بومی (خشت، چوب، سنگ)
تقویت همبستگی	هویت اجتماعی	شکل‌گیری تعامل اجتماعی	وجود فضاهای جمعی (بازار، میدان)
تعلق مکانی	حس تعلق	تداعی خاطرات جمعی	الگوهای سنتی
هویت شهری	هویت فرهنگی	بازتاب ارزش‌ها و سنت‌ها	معماری متناسب با فرهنگ بومی
کاهش مصرف انرژی	پایداری محیطی	کاهش مصرف انرژی	طراحی هماهنگ با اقلیم
زیبایی‌شناسی شهری	تمایز شهری	هویت بصری و سیمای شهری	تمایز بصری نماها و بافت سنتی
تداوم فرهنگی	استمرار هویت	پیوند گذشته و حال	بازآفرینی محلات قدیمی
پیوند اجتماعی-فرهنگی	هویت اجتماعی	بازتولید سنت‌ها	برگزاری آیین‌ها و مراسم محلی در میدان
حافظه جمعی	حس تعلق	پیوند با گذشته	خاطره‌مندی و تجربه زیسته شهروندان

۷. تحلیل یافته‌ها

یافته‌های حاصل از بررسی نمونه موردی نشان می‌دهد که معماری بومی به‌عنوان بخشی از سرمایه فرهنگی و کالبدی شهر، نقشی اساسی در تقویت هویت شهری ایفا می‌کند. نشانه‌های کالبدی موجود در بناها و فضاهای تاریخی نه تنها بازتاب‌دهنده سبک زندگی و باورهای گذشته‌اند، بلکه به‌صورت مستقیم در شکل‌گیری تجربه زیسته‌ی شهروندان امروز نیز تأثیرگذارند. از این منظر، می‌توان تأثیر معماری بومی را در سه مقوله‌ی اصلی «تقویت هویت فرهنگی»، «ارتقای حس تعلق شهروندان» و «خلق فضاهای شهری پایدار و متمایز» دسته‌بندی کرد. در جدول زیر، شواهد گردآوری‌شده از نمونه موردی همراه با تحلیل و تفسیر آن‌ها ارائه شده است تا ارتباط مستقیم معماری بومی با ابعاد مختلف هویت شهری روشن گردد:

جدول ۲. دسته‌بندی یافته‌ها در سه محور اصلی (منبع: نویسنده)

مقوله اصلی	شواهد از نمونه موردی	تحلیل و تفسیر
تقویت هویت فرهنگی	بافت‌های سنتی محله سبزه‌میدان، حاوی نشانه‌های معماری بومی‌اند که به وضوح بازتاب‌دهنده فرهنگ، شیوه زندگی و باورهای مردم هستند	این نشانه‌ها نوعی «گفتمان فرهنگی» ایجاد کرده و باعث بازشناسی هویت شهری توسط شهروندان می‌شوند
ارتقای حس تعلق شهروندان	مردم محله‌های قدیمی قزوین با بناهای تاریخی و فضاهای عمومی سنتی (مانند بازار و مساجد محلی) ارتباط عاطفی برقرار می‌کنند و حضور در این فضاها موجب تقویت حس تعلق به شهر می‌شود	تجربه حضور در این فضاها موجب افزایش دلبستگی و حس تعلق به شهر می‌شود
خلق فضاهای شهری پایدار و متمایز	استفاده از مصالح محلی، حیاط مرکزی و ایوان‌ها، ضمن انطباق با اقلیم، مصرف انرژی را کاهش داده و محیط شهری را پایدار می‌کند. همچنین، این ویژگی‌ها باعث تمایز قزوین از دیگر شهرهای مشابه شده است.	این ویژگی‌ها علاوه بر ایجاد پایداری محیطی، موجب تمایز و حفظ هویت شهری می‌شوند

۷. نتیجه‌گیری

این نتایج، با ادبیات نظری حوزه‌ی شهرسازی و معماری همخوان است که هویت شهری را محصول سه مؤلفه‌ی فرهنگی، اجتماعی و کالبدی می‌داند. بررسی موردی نشان داد که معماری بومی می‌تواند همچون واسطه‌ای میان گذشته و حال عمل کند و گفتمان فرهنگی شهر را در کالبد روزمره بازنمایی کند. علاوه بر این، یافته‌ها نشان دادند که اصول بومی چون توجه به اقلیم، استفاده از مصالح محلی و طراحی مبتنی بر مقیاس انسانی، ضمن تقویت هویت، کارکردی زیست‌محیطی و پایداری نیز دارند که خود عاملی در تقویت حس تعلق و ماندگاری جمعی است. با توجه به نتایج پژوهش، می‌توان دریافت که تداوم هویت شهری تنها با احداث ساختمان‌های مدرن و فضاهای نمادین امکان‌پذیر نیست، بلکه نیازمند پیوند خلاقانه‌ی معماری معاصر با اصول معماری بومی است. بر این اساس، چند توصیه کلیدی برای شهرداری‌ها و نهادهای محلی ارائه می‌شود: لازم است سیاست‌های حمایتی و مشوق‌های مالی برای حفاظت و احیای بافت‌های تاریخی تدوین گردد تا این فضاها بتوانند نقش فعالی در حیات اجتماعی و فرهنگی شهر ایفا کنند. همچنین، برنامه‌های فرهنگی و آموزشی در سطح محلات می‌تواند شهروندان را در فرآیند حفاظت از هویت شهری مشارکت دهد. در مجموع، نتیجه‌ی کلیدی پژوهش آن است که هویت شهری آینده، محصول گفت‌وگوی گذشته و حال است. اگرچه تحولات معاصر اجتناب‌ناپذیرند، اما بدون بهره‌گیری از ظرفیت‌های معماری بومی، توسعه شهری به کالبدی بی‌ریشه و بی‌هویت منجر خواهد شد. از این رو، معماری بومی نه تنها به مثابه‌ی میراثی تاریخی، بلکه به‌عنوان ابزاری راهبردی برای خلق فضاهای پایدار، معنادار و متمایز باید در دستور کار مدیریت شهری معاصر قرار گیرد.

۸. منابع فارسی و انگلیسی

۱. آلیاگونولو، آ. (۱۳۸۴). معماری بومی، ترجمه: علی محمد سادات افسری. تهران: موسسه علمی فرهنگی فضا.
۲. آلسوپ، ب. (۱۳۷۱). یک تئوری نوین در معماری، ترجمه: پرویز فروزی. تهران: انتشارات کتابسرا.
۳. اکرمی، غ و دامیار، س. (۱۳۹۶). رویکردی نو به معماری بومی در رابط ساختاری آن با معماری پایدار. نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی.
۴. الکساندر، ک. (۱۳۸۶). معماری و راز جاودانگی راهی بی‌زمان در ساختن، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۵. اوکتاری، د. (۱۳۸۶). طراحی با نگرش به محیط‌های مسکونی - تجزیه و تحلیل در شمال قبرس. ترجمه: سید باقر حسینی. فصلنامه آبادی، شماره ۵۵.
۶. بحرینی، س. ح. (۱۳۹۰). تحلیل فضاهای شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۷. پاکزاد، ج. (۱۳۹۲). نظریه‌های شهرسازی. تهران: نشر دانشگاهی.
۸. رازجویان، م. (۱۳۷۵). نگاهی به اتلاف معماری و علوم رفتاری در نیم قرن گذشته. مجله صفا، دوره ۶، شماره ۴.
۹. رحیمیون، ع. ا. (۱۳۸۸). هویت‌بخشی به شهر از طریق بهره‌گیری از عناصر طبیعی. مجله هویت شهری، شماره ۹.
۱۰. رضایی، م. و وثیق، ب. (۱۳۹۳). واکاوی معماری پایدار در مسکن بومی روستایی اقلیم سرد و کوهستانی ایران. تهران: انتشارات طحان.
۱۱. سعدونی، م. (۱۳۸۸). معماری قانعانه. رساله دکتری.
۱۲. شمعی، ع. و احمدپور، ا. (۱۳۹۲). بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه جغرافیا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. فلامکی، م. م. (۱۳۸۸). معماری بومی در ایران. تهران: موسسه علمی و فرهنگی فضا.
۱۴. حبیب، ف. و رسمان، ت. (۱۳۸۷). گفتمان کالبدی شهر و هویت. مجله هویت شهر، ۱۳-۲۳.
۱۵. حبیبی، س. م. (۱۳۸۶). از شار تا شهر. تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. دامیار، س و ناری قمی، م. (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی مفهوم فضا در معماری بومی و معماری مدرن.
۱۷. گودرزی، س. م. م. (۱۳۸۲). شناخت روستا. همدان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.
۱۸. معماریان، غ. (۱۳۸۶). سیری در مبانی نظری معماری. تهران: انتشارات سروش دانش.
۱۹. مهدوی‌نژاد، م. ج.، بمانیان، م. و خاکسار، ن. (۱۳۸۹). هویت معماری، تبیین معنای هویت در دوره‌های پیشامدرن، مدرن و پسامدرن. دو فصلنامه هویت شهر، شماره ۷، پاییز و زمستان.
۲۰. موثقی، ر و ایرملو، س. (۱۳۸۵). عناصر هویت فرهنگی شهر. اولین همایش بین‌المللی شهر برتر، طرح برتر. سازمان عمران و شهرداری همدان.
۲۱. ناری قمی، م و دامیار، س. (۱۳۹۱). رویکردها به معماری بومی در نظریه‌پردازی مدرن معماری. نشریه شهر و معماری بومی، شماره ۳، ۷۹-۹۵.
۲۲. نصر، ط. (۱۳۹۳). واکاوی معنای «هویت» در سنجش پارادایم تحلیل جایگاه حیات‌بخش در بافت شهری. مجله هویت شهر، شماره ۱۸، ۱۳-۲۶.
۲۳. نورمحمدی، س. (۱۳۸۸). درک سرشت فضای معماری با تأمل در تشابه فضا در سکونتگاه‌های بومی. رساله دکتری معماری. دانشگاه تهران.
۲۴. Davis, M. (۲۰۲۲). Eco-friendly Design and Indigenous Wisdom. San Francisco: Green Architecture Publishers.
۲۵. Dougherty, D. L. (۲۰۰۶). Embodying the city: Identity and use in urban public space. Virginia.
۲۶. Hanchi, P. (۲۰۰۹). Studies of Iranian Architecture. Tehran: Center of Cultural Studies, Municipality of Tehran Publication.
۲۷. Mukherjee, D. (۲۰۲۲). Resilient Vernacular Architecture: Lessons from Traditional Indian Building Techniques. New Delhi: Academic Press.
۲۹. Rapoport, A. (۱۹۶۹). House Form and Culture. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
۳۰. Smith, J. (۲۰۲۰). Cultural Identity and Sustainable Architecture. New York: Routledge.

Vernacular Architecture and Its Impact on Urban Identity

(A Case Study: Sabzeh Meydan Street, Qazvin)

Hassan Sajedi^۱

Abstract

Vernacular architecture, as a clear reflection of the history, culture, and natural environment of each society, plays a fundamental role in shaping the identity of cities. In fact, vernacular architecture is the non-verbal language of a nation through which values, beliefs, and ways of life can be understood. However, the expansion of modern architectural patterns and the tendency toward global styles have caused many contemporary cities to drift away from their native originality, resulting in a kind of uniformity and loss of identity. Towers and similar structures built in many cities around the world, although functionally up-to-date, often fail to reflect the cultural and historical roots of society.

Understanding urban identity and its influential components is a fundamental step for managers, planners, and urban policymakers. Only through such understanding can a city be created that not only reflects cultural and social values but also possesses identity-related qualities, sustainability, and responsiveness to the needs of its residents. In this regard, the attention of managers and architects to vernacular principles is of great importance, as it can prevent the neglect of urban identity during the process of urban development.

The research method of this study is qualitative with an interpretive approach, and data collection is based on documentary analysis. This paper first examines the characteristics and key elements of vernacular architecture—such as adaptation to climate, the use of local materials, and consideration of social culture—and then analyzes the consequences of its presence or absence in shaping urban identity. The findings indicate that revisiting and applying the principles of vernacular architecture can not only strengthen cultural identity and enhance citizens' sense of belonging, but also provide the basis for creating sustainable and distinctive urban spaces. Moreover, the thoughtful integration of vernacular architecture with modern technologies makes it possible to achieve designs that are both aesthetically appealing and functionally responsive to today's needs. Ultimately, it can be concluded that paying attention to vernacular architecture as a cultural asset is essential, and neglecting it may lead to the weakening of urban identity and a decline in the quality of urban life.

Keywords: Vernacular Architecture, Urban Identity, Sustainable Urban Development, Sense of Belonging.

^۱.Architectural Expert, Deputy of District \ Municipality of Qazvin, hsajedi^{۱۳۰}@gmail.com